



فردرایی طلایی برای زنان

اکرم چهارکی

اشاره:

به گفته بعضی متفکران، جهانی شدن اثرات مختلفی دارد که جهت مثبت آن این است که سرمایه‌داری جهانی فرصت‌های زنان را برای اشتغال افزایش داده و حکومت جهانی برای ارتقاء جایگاه زنان ابتکارهای قانونی و سازمانی ارائه داده‌است و جامعه مدنی جهانی امکانات بیشتری را برای عدالت جنسی بسیج کرده است و از جنبه منفی قشر بندی نادرست دسترسی زنان به بسیاری از فضاهای جهانی را محدود کرده و بیشتر زنان در اقتصاد جهانی شرایط نامطلوب دارند و هزینه‌های بازسازی اقتصادی جهانی نولیبرالی به طور نامتناسبی بر زنان تحمیل شده است که از این نگاه جهانی شدن هم ره آورد مثبت و هم منفی برای زنان داشته است. با توجه به این نکات نگارنده در صدد است با نگاهی اجمالی به ابعاد مختلف جهانی شدن، به ارتباط آن با مسئله زنان و اثرات مثبت و منفی آن پردازد و تأثیر آن را در ساختار فرهنگی، سیاسی کشورهای جهان بررسی نماید و بر اساس روند تحولات گذشته با عنایت خداوند چشم اندازی از آینده را تبیین نماید تا پلی برای فهم و درک نیاز به حکومت جهانی مهدوی زده شود.

حقوق زن در روند جهانی شدن

بعد از سلطه قدرت‌های بزرگ بر منابع اقتصادی و سیاسی جهان، آن چه به عنوان یک نیازمندی به ویژه پس از جنگ جهانی دوم خود را نشان داد، تدوین یک سری قوانین و خطوط جهانی بود که به واسطه آن بتوان نظم و چارچوبی را بر کشورهای جهان حاکم کرد؛ زیرا بیم آن می رفت که با تراحم قدرت‌های بزرگ در شرق و غرب، هر آن حیات بشری دچار تهدید جدی و جبران‌ناپذیری گردد؛ لذا تشکیل سازمان ملل متحد هم‌زمان با پایان یافتن جنگ جهانی دوم نقطه عطفی در تاریخ روابط دولت‌ها بود. ضرورت هماهنگی فرمانطقه‌ای و اتخاذ سیاست‌های هماهنگ در جامعه بین‌الملل این سازمان جهانی را در جایگاه مدیریت نظام بین‌الملل قرار داده است و در راستای اعمال این مدیریت، تدوین معاهدات بین‌المللی نقشی مهم و اساسی در تنظیم رفتارهای جامعه جهانی و حرکت به سمت نظم واحد ایفا می نمود. به هر حال جامعه جهانی خود را نیازمند وضع یکسری قواعد و قوانین جهانی می‌دید که می‌توانست مایه امیدواری

بسیاری از ملت‌ها باشد. اما آنچه از عملکرد این معاهدات بین‌المللی و به ویژه ناظران و متولیان و نوع پیگیری آنها در برابر کنوانسیون‌ها و معاهدات بر جای مانده، این بود که علیرغم اینکه می‌توانستند نقطه تسلی برای بشر باشند به نقاط تسلط بر بشر تبدیل شدند و عملاً منشورها و قواعد معاهدات بین‌المللی حقوق بشر و کنوانسیون رفع تبعیض از زنان تا کنوانسیون حقوق کودک به حربه‌ای برای افکار سازی جهانی در یک دهکده جهانی به نفع قدرت‌های بزرگ تبدیل شدند و ابزار توجیه آنها برای ابعاد تسلط شان گردید.

این معاهدات با هدف هم‌گرایی جهانی بین سیاست‌ها، سرمایه‌ها و نیروهای انسانی در جهان مطرح شد و در بسیاری از موارد مفاد و محتوایش حاوی خطوطی بود که انهدام فرهنگ‌ها و قوانین و سنن کشورهای را در برداشت و در مواردی هم که خالی از اشکال بود، مصداق کلمه حق

موضوع کنوانسیون رفع تبعیض از زنان به عنوان مهمترین سند سازمان ملل متحد پیرامون زنان تنظیم شده که از جامعه جهانی می‌خواهد با یک نگاه جهانی به زن او را در فرصت‌های برابر در قبال مرد در خانواده و محیط اجتماعی قرار دهد.

یراد بها باطل بود که حرف حقی با اراده باطل به کار گرفته می‌شد و صرفاً قصدشان اهداف غیر خیرخواهانه و غیرانسانی بود.^۱ موضوع کنوانسیون رفع تبعیض از زنان که به دنبال شکل‌گیری جنبش‌های دفاع از حقوق زن و فمینیست شکل گرفت، به عنوان مهمترین سند سازمان ملل متحد پیرامون زنان در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. این معاهده در ۳۰ ماده تنظیم شده که از جامعه جهانی می‌خواهد با یک نگاه جهانی به زن او را در فرصت‌های برابر در قبال مرد در خانواده و محیط اجتماعی قرار دهد.^۲

به دنبال آن چهار کنفرانس جهانی با هدف یکسان کردن قوانین و مقررات حاکم بر زنان در کشورهای مختلف تشکیل شد که عبارتند از: کنفرانس مکزیکوسیتی (۱۹۷۵) - کنفرانس کپنهاک (۱۹۸۰) - کنفرانس نایروبی (۱۹۸۵) - کنفرانس پکن (۱۹۹۴) که البته طرفداران آن با اعتقاد به تفاوت‌های زیستی یا بیولوژیک بین زن و مرد، به شدت به دنبال ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان با مردان هستند.^۳

مدعیان پذیرش اسناد بین‌المللی بر این باورند که با این الحاق، گام مهم در روند و فرایند شکل‌گیری قوانین یکسان و هماهنگ در سطح جهانی برداشته می‌شود؛ زیرا امکان ندارد کشوری بدون نیاز از کشورهای دیگر بتواند زندگی کند و هرگونه تعاملی با جهان اطراف، وقتی امکان‌پذیر است که در نظام واحد جهانی مطرح باشد و تنها چیزی که می‌تواند ظرف این تعامل باشد، پذیرش کنوانسیون است. حتی در جریان همه‌گیر شدن حقوق در جهان، عده‌ای می‌گویند: «در قصه حقوق بشر ما به یونیورسالیسم (انگاره‌های عام و همه شمول) احتیاج داریم؛ یعنی باید یک حقوق مبنایی عام را برای همه آدمیان به رسمیت

شناسیم و الا حقوق بشر با نفسی حقوق بشر مساوی است...» و این در حالی است که طرفداران توسعه اصرار دارند زنان از هر

بسیاری از مواد کنوانسیون با حدود ۹۰ مورد از احکام و قوانین داخلی و فقه اسلامی و بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و ملی کشورمان در تضاد کامل است و مورد انتقاد جمع کثیری از علما و اندیشمندان به ویژه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است.

فرصتی با دیدگاه‌های سنتی مخالفت ورزند و به دولت‌ها بقبولانند که بدون حضور آنها انتقال قدرت و توسعه متوازن ممکن نیست تا دستیابی به اهداف کنوانسیون که خواست قلبی زنان جهان است، تأمین شود.^۵

امروزه تلاش می‌شود که کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان به عنوان معتبرترین معیارهای بین‌المللی برای رفاه زنان به سراسر جهان تحمیل شود. تا جایی که در بند ۳۹ بخش دوم اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ آمده «سازمان ملل باید دولت‌ها را به پذیرش کنوانسیون تشویق کند به گونه‌ای که تا سال ۲۰۰۰ تمامی دولت‌ها کنوانسیون را تصویب کنند».^۶

این در حالی است که بسیاری از مواد این کنوانسیون با حدود ۹۰ مورد از احکام و قوانین داخلی و فقه اسلامی و بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و ملی کشورمان در تضاد کامل است و مورد انتقاد جمع کثیری از علما و اندیشمندان به ویژه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است.^۷

مواد این کنوانسیون بیش از آنکه به ارتقای وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان در کشورهای مختلف یاری رساند، به تحقق آرمان سردمداران نظام سلطه جهانی برای همسان‌سازی فرهنگ و از بین بردن ارزش‌های اخلاقی و مذهبی حاکم بر کشورهای غیر غربی کمک می‌کند.

در همین راستا بارها و بارها رهبر فرزانه انقلاب فرمودند: حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جامعه اسلامی و در جامعه ما، حتماً باید انجام بگیرد؛ منتها بر مبنای اسلامی و با هدف اسلامی.^۸

پس چه نیکوست که متولیان امور دینی و کارشناسان در زمینه تدوین منشوری از حقوق زنان که مجموعه‌ای از مبانی اسلامی و اخلاقی باشد همت گمارند و آن را به مجامع بین‌المللی عرضه نموده

تا کارآمدی قوانین و حقوق دین اسلام هر چه بیشتر به جامعه جهانی نمایان شود.

مبانی فکری فرهنگی غرب در بستر جهانی شدن

آزادی در روابط اجتماعی و شتاب در تغییر باورها و هنجارهای اجتماعی به منظور هماهنگی و هم‌سویی با تحرک سرمایه‌گذاری جهانی از نیازهای نظام لیبرال است، لذا در عصر روشنگری در ابتدا به حقوق زنان بی‌اعتنایی شد، زیرا آن نظام حاکم به نیروهای زنان در عرصه اقتصاد نیازی را نمی‌دید، اما از قرن بیستم به بعد نظام سرمایه‌داری در یک طیف جهانی به نیروی کار زنان نیازمند شد. لذا به ندای حق‌خواهی زنان پاسخ داد.

ویل دورانت مورخ معاصر می‌گوید: آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است، زیرا موجب شد تا زن صنعتی شود؛ زیرا زنان کارگران ارزانتری بودند و کار فرمایان آنان را بر مردان سرکش سنگین قیمت ترجیح می‌دادند، لذا ندای خودکفایی اقتصادی زنان شعار روز شد و حتی در حال حاضر در بسیاری کشورها مثل کانادا در برابر کار یکسان دو حقوق متفاوت به زن و مرد داده می‌شود.

اما به قول استاد مطهری، رشد روز افزون صنعت که بیش از نیاز واقعی انسانها بود، به ضرورت تحمیل کالا بر مصرف‌کننده انجامید که می‌بایست با ترفندهای زیادی و به کارگیری همه وسایل ارتباطی، فکری و هنری انسانها را به عامل بی‌اراده مصرف تبدیل کند و قدرت سرمایه‌داری بار دیگر سراغ بهره‌کشی از زن برآمد، اما این بار نه از نیروی بدنی و کار زن، بلکه از نیروی جاذبه و زیبایی او و گرو گذاشتن شرافت و

حیثیتش و از

قدرت افسونگری زنان در تبلیغات و تحمیل کالاهای تولیدی به دنیا استفاده کرد که بدیهی است همه اینها را به حساب آزادی و تساوی با مرد گذاشت.

متأسفانه شاهدیم که زنان همه عرصه خود را در عرصه خود دیدند، غافل از آنکه به نوعی از ستم تاریخی رهایی یافتند و به زیر یوغ استعمار نوین و مدرنیسم با شعارهای فریبنده قرار گرفتند و برای رهایی از وجدان بیدار، او را به دامن فردگرایی و نسبیّت در ارزش‌ها فراخواندند که هر فکر بیداری را خفته گرداند.

لذا زنان دچار یک ورشکستگی فرهنگی شدند که اوج آن با سکس و بی‌بندوباری خاتمه می‌یافت. تجاوز به عفت و سوء استفاده جنسی سرنوشت زن عصر پست مدرن را رقم می‌زند. زنان نه تنها هدف اصلی اکثر فیلم‌های پر خشونت و سکس شدند، بلکه باید کاملاً مطابق معیارهای کلیشه‌ای رسانه‌ها عمل می‌کردند.

این فرهنگ همراه با سینمای هالیوود و محصولات مک دونالد در ردیف صادرات



بارها و بارها رهبر فرزانه انقلاب فرمودند: حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جامعه اسلامی و در جامعه ما، حتماً باید انجام بگیرد؛ منتها بر مبنای اسلامی و با هدف اسلامی.

دنیاى غرب قرار مى گیرد. و این جاست که با سلاح رسانه ها، ماهواره و اینترنت در

قالب توسعه فرهنگ از پیش تعیین شده، دهکده جهانی را سازمان دهی می کند.

در این رهگذر از اهرم های فشار مهمی که به تحمیل فرهنگ جهانی می پردازد و به دست سرمایه دار جهانی است می توان سازمان ها و مؤسسات بین المللی هم چون سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و کمیسیون حقوق بشر را نام برد.

پرفسور هربرت آی شیلر استاد دانشگاه کالیفرنیا از فرآیند

فرهنگ سازی جهانی با عنوان امپریالیسم فرهنگی یاد می کند و می گوید:

واژه امپریالیسم فرهنگی نشان دهنده نوعی نفوذ اجتماعی است که از طریق آن کشوری اساس تصویرها، ارزش ها، معلومات و

رفتاری و همچنین روش زندگی خود را بر کشورهای دیگر تحمیل می کند.

طبیعتاً همسان سازی فرهنگ جهانی راهی برای ایجاد ثبات سیاسی در جهان است و زمینه لازم را برای رسیدن غرب به منافع سیاسی و اقتصادی فراهم می سازد و با ایجاد حس اعتماد در بین مردم جهان نظام سرمایه داری به تضمین منافع اقتصادی دراز مدت در قالب مصرف کالاها دست می یابد، همان چیزی که بعضی به آن استعمار کواکولایی می گویند و چه متین و جالب امام خمینی (ره) فرمود: تا خانم ها توجهشان به این است که فلان مد از غرب باید بیاید، فلان زینت باید از آنجا سرایت کند ... نمی توانید مستقل باشید اگر بخواهید شما را به اینکه یک ملتی هستید بشناسند و بشوید یک ملت از تقلید باید دست بردارید. تا در این تقلید هستید، آرزوی استقلال را نکنید.^۹

زنان در هر جامعه ای به طور مستقیم در شکل گیری فرهنگ و تمدن آن جامعه نقش به سزایی دارند و نقش آنان در پایداری و نابودی تمدنها بر کسی پوشیده نیست و همانطور که امام راحل فرمودند، زنان در استقلال یک کشور می توانند بسیار تأثیرگذار باشند. بحث از زوایای مثبت و منفی نقش زنان در سرنوشت معنوی و مادی انسان ها بحثی گسترده است که جایگاه خاص خود را می طلبد.

گرایش طبیعی زنان به زیبایی، آراستگی، زیور و زینت دنیوی می تواند خود مایه دلپذیر شدن فضای خانه و خانواده گردد و موجب رونق حیات مادی اعضا شود، اما همین موهبت الهی اگر در مسیر تعادل قرار نگیرد، می تواند مایه ابتدال زن و خانواده شده و حیات معنوی آن ها را به

مخاطره اندازد و همه را

اسیر امیال و غرایز پست مادی کند. تأثیر پذیری شدید مردان از زن و خانواده می تواند عاملی برای حرکت پسران و همسران در مسیر عبودیت عارفانه باشد و از سوی دیگر می تواند موجب بازداشتن آنها

از هر فداکاری و گذشت برای حفظ ارزش های انسانی و صیانت از سرمایه های مادی و معنوی اجتماع شود.

همین طور نقش حساس زنان در اقتصاد خانواده و تعیین الگوی مصرف می تواند خانواده را به سوی فرهنگ ساده زیستی و قناعت و خودداری از مصرف کالاهای غیر ضروری سوق دهد که اگر در مسیر مخالف تغییر جهت دهد، می تواند خانواده، اجتماع و کشور را به سوی اهداف اومانستی و زندگی مرفه و اسراف و تبذیر رهنمون شود.^{۱۰}

از آنجا که نیمی از جهان را زنان تشکیل می دهند و در شکل گیری الگوی شخصیتی

نیمه دیگر، زنان نقش به سزایی دارند، لذا این نقش حساس در شکل گیری فرهنگ و مدنیت یک قوم و ملت

باعث شده نظریه پردازان فرهنگ جهانی و کسانی که در پی همسان سازی فرهنگها هستند در برنامه ریزی خود زنان را مورد توجه قرار دهند و آنان را به عنوان نقطه عطف فعالیت های خود در نظر بگیرند.

از این جهت همراه با ترویج دموکراسی، سکولاریسم، توسعه، اقتصاد آزاد... به عنوان نسخه های رهایی بخش ملت ها، فمینیسم (زن گرایی) را در سراسر جهان مطرح کردند و به مدد روشنفکران بومی کشورهای شرقی در صدد تلقین این اندیشه اند که آنها هم می خواهند حقوق از دست رفته خود را باز یابند که در این گذر چاره ای جز بهره گیری از راهکارهای فمینیسم و کنارگذاری ارزشهای بومی و دینی ندارند.^{۱۱}

حضور مسلمانان در روند جهانی شدن

با توجه به نیازها و خواسته های بشر در حرکت به سوی یکپارچگی و اتحاد جهانی - که متناسب با فطرت آنان است - به این نتیجه روشن و بدیهی دست می یابیم که اینک بهترین فرصت و موقعیت برای ترسیم چهره ای روشن و گویا از نظام جهان مهدوی و دین اسلام است؛ زیرا دین خصوصاً دینی جامع مانند اسلام که ادعای پاسخ گویی به همه نیازهای اساسی جامعه انسانی را دارد و برای همه ابعاد مختلف زندگی انسان ارائه طریق می کند و حتی در روابط اجتماعی و بین المللی با مسلمین و غیرمسلمین زبانی گویا و متین دارد؛ به عنوان یک منبع قدرت می تواند حاوی پیام های مهم و کارسازی باشد. لذا با توجه به شرایط و مقتضیات زمان و تعریفی مناسب از آن و تشخیص عوامل انحطاط و پیشرفت و طی کردن مسیر تعادل در پیدا کردن بهترین روش، می تواند رهیافت مناسبی در این رهگذر باشد.

در بحث رهایی جامعه زنان از جاهلیت مدرن و ناکارآمدی الگوهای بیگانه می توان با تکیه بر اصول اسلامی، زنان را به یک خود باوری در عرصه فعالیت های مهم و سرنوشت ساز و تربیت

جامعه انسانی رساند و شأن مادری را به افق اعلائی خود نزدیک ساخت و با تبیین

می توان با تکیه بر اصول اسلامی زنان را به یک خود باوری در عرصه فعالیت های مهم و سرنوشت ساز و تربیت و تربیت جامعه انسانی رساند و شأن مادری را به افق اعلائی خود نزدیک ساخت.

این مسئله که با محوریت شرط تناسب در نظام‌های حقوقی می‌توان به عدالت واقعی دست یافت، از تنش‌های موجود میان جامعه اسلامی در بحث حقوقی جلوگیری کرد و عملکرد غلط بعضی مسلمانان را در اجرای حقوق زنان به پای شجره طیبه اسلام نگذاشت. اگر ما نتوانیم به درستی، ابعاد و زوایای مختلف الگوی رهائی زنان را در اندیشه مهدوی در عصر حاضر بازگو کنیم و نسبت و ارتباط آن را با جهانی شدن بسنجیم، از قافله اندیشه و گفتمان روز به دور خواهیم بود و نخواهیم توانست درک و فهم بشری را درباره آینده درخشان جهان به خوبی شکل دهیم.

ملل مختلف در جهان به‌ویژه داعیه‌داران رهائی زنان از تبعیض را باید به این باور نزدیک کرد که جهانی شدن حکومت مهدوی (عجل الله فرجه) به معنای جهانی شدن فضیلت‌ها، عدالت‌ها، نیکی‌ها، برابری‌ها و معنویت‌ها خواهد بود.

مردم به ویژه زنان در عرصه حکومت جهانی مهدی موعود (عجل الله فرجه) فرصتی خواهند یافت که خوب بیندیشند و حکمت و دانش واقعی را بیاموزند به طوری که زنان در خانه خود به کتاب خدا و سنت پیامبر حکم کنند.

امنیت و آرامش چنان در جهان سایه‌گستر خواهد شد که زنان به تنهایی بین کشورها بدون ترس از خطرات رفت و آمد خواهند کرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوزی، مه‌ری: کتاب زنان.
۲. زیبایی نژاد، محمدرضا: درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام.
۳. لیس توریس، اماری: جنسیت و توسعه.
۴. راعی، مسعود: الحاق به کنواسیون از منظر موافقان و مخالفان، بازتاب اندیشه.
۵. کار، مه‌رائگیز: رفع تبعیض علیه زنان.
۶. شفیعی سروستانی، ابراهیم: تازه‌های اندیشه.
۷. بررسی و ارزیابی کنواسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، مرکز پژوهش‌های صداوسیما.
۸. زن ریحانه آفرینش، نشر آثار مقام معظم رهبری، قم.
۹. جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی.
۱۰. شفیعی سروستانی، ابراهیم: تازه‌های اندیشه.
۱۱. همان.

اشاره:

دختران و زنان در آفرینش امت واحده اسلام و تشکیل حکومت جهانی موعود، جایگاهی ویژه دارند تا آنجا که تعدادی از یاران راستین حضرت بقیة الله الاعظم (عج)، زنان با ایمان خواهند بود. تقابل و چالش‌های زندگی دختران و زنان دهکده جهانی با معیارهای حکومت آسمانی موعود آخر الزمان، تقابل الهی زیستن و شیطانی زیستن است. در عصر کنونی فراز و نشیب‌های فراوانی، فراروی دختران و زنان است. آنان باید مراقب باشند تا در ورطه ایسم‌ها و نلله‌ها و گرایش‌های فکری شیطان گرفتار نگردند. تمسک به وحی و حفظ اصالت و هویت، عناصر حفظ کرامت و شرافت دختران و زنان در حکومت جهانی موعود است. عناصری که در همه زمان‌ها و زمین‌ها از حقیقت وجودی و شرافت و کرامت دختران و زنان پاسداری می‌کند. گفت و گوی پیش رو، حاصل نشست کوتاهی با سرکار خانم معصومه ظهیری، کارشناس ویژه امور زنان است که در آن به بررسی و نقد نقش زن در دهکده جهانی و حکومت جهانی موعود پرداختیم. سرکار خانم ظهیری در آستانه ۵۰ سالگی و پس از ۲۲ سال تبلیغ در مراکز علمی و آموزشی و دو دهه تدریس در دانشگاه و حوزه، هم‌اکنون ریاست کتابخانه و همچنین مسئولیت بسیج اساتید و عضویت در هیئت علمی جامعه الزهرا را بر عهده داشته و علاوه بر آن، کارشناس ویژه برنامه‌های خانواده و زنان در رادیوهای معارف، قرآن و دیگر شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تالار جامع علوم انسانی

ناظر بر این است که در جهت این رشد و کمال، زنان نیز همپای مردان هم نقش‌آفرین هستند و هم به این رشد و کمال دست پیدا می‌کنند. در غرب متأسفانه بعد از جریان‌های رنسانس، نگاه به زن نوعی نگاه ابزاری شد که عملاً زنان را در حاشیه می‌بینند؛ یعنی زنان در پیش‌برندگی جریان مزبور نقش مفید و مؤثر ندارند؛ بلکه به عنوان ابزار حرکت همه آنهایی که قدرتمند هستند، در حال حرکتند. با توجه به جریان‌هایی که بعد از این به حذف خدامحوری انجامید و انسان آن جایگاه اصیل خود را از دست داد، متأثر از این جریان، زنان نیز نقش اصیل انسانی خودشان را از دست دادند. در نگاه و نظام اسلامی، ارزش انسانی بسیار والایی برای زنان در نظر گرفته شده است. مقام والای انسانی خاص جنس نیست، بلکه فراجنسیتی به آن نگاه می‌شود. برعکس، در غرب، علی‌رغم شعار فراجنسیتی، جنسیت مورد تأکید قرار می‌گیرد و این دقیقاً آن ستم نوینی است که در غرب نسبت به زنان اعمال می‌شود.

پویا: همان‌طور که مستحضرید، این شماره از پویا در خصوص حکومت جهانی واحد در دوران ظهور و مقایسه‌ای بین آن حکومت موعود و دهکده جهانی مورد نظر دنیای غرب می‌باشد. به نظر حضرت‌تعالی در خصوص تحقق و ایجاد حکومت جهانی موعود، زنان و به ویژه زنان مسلمان چه جایگاه و چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟

خانم ظهیری: نقش زنان در حکومت‌ها، با توجه به این که نیمی از پیکره همه جوامع را تشکیل می‌دهند، به هیچ وجه قابل انکار نیست. در روایات اسلامی آمده که در راستای ایجاد و اداره حکومت جهانی حضرت (عج)، زنان هم نقش دارند. بنا به روایاتی، از ۳۱۳ نفر یاران خاص حجت بن الحسن (عج)، پنجاه نفرشان زن هستند. از آن گذشته، روایاتی داریم که عقول انسان‌ها رشد کرده و به کمال می‌رسد، تا جایی که زنان در خانه‌های خودشان قضاوت می‌کنند، یعنی این روایات بیشتر